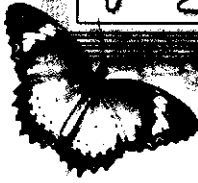


جایگاه رضایت مردم



سیره عملی امیرالمؤمنین علیه السلام و کارگزاران

۳

محمد حسن نبوی

توجه و عنایت قرار گرفته لیکن حدودی هم برای آن مطرح شده که قابل دقت و عنایت است.

امروزه در نظریه پردازی‌های سیاسی چند نظریه در فلسفه سیاسی مطرح است که ما آن‌ها را به دو دسته کلی تقسیم می‌کنیم. دسته اول نظریه‌هایی که دلیل مشروعیت نظام را رضایت مردم قلمداد می‌کنند و دسته دوم کسانی که ملاک مشروعیت حکومت را اهتمام حکومت به اجرای شاخص‌های ارزشی، قلمداد می‌کند شاخص‌هایی مانند عدالت، ارزش‌های اخلاقی و ...

این مباحث جای بررسی‌های خاص خود را دارد که به اهل فن و بحث‌های

به دنبال بحث از سیره عملی علی علیه السلام در شماره ۱۶، در مورد جایگاه رضایت مردم در دیدگاه آن حضرت در شماره ۱۷ مطالب ارزشمندی بیان گردید و مطرح شد که یکی از بهترین نمودهای موفقیت حاکمان، عدالت گستری و جلب رضایت مردم است. همچنین از بیانات آن حضرت به این موضوع اشاره شد که باید بهترین کارها در نزد زمامداران فعالیت‌هایی باشد که به عدالت نزدیکتر و بیشترین رضایت عامه را به دنبال داشته است و اکنون به دنباله آن بحث می‌پردازیم.

رضایت خدا یا مردم

رضامندی مردم از حاکمان، یکی از مهمترین مسائلی است که در اسلام مورد

اصولی و بنیادین مورد توجه قرار بگیرد. و حاکمان در حقیقت با آراء مردم به حکومت می‌رسند و باید خواست مردم و رضایت محض آنان را دنبال کنند.

۲- عده‌ای هم در مقابل براین باورند که رضایت خدا باید تحصیل شود و در صورتی که مردم نسبت به قوانین الهی تمایل نشان ندادند باید با زور و اجبار آنان را به سوی باورهای دینی سوق داد و رفتارهای مشروع را در بین آنان ترویج کرد.

۳- نظریه‌های دیگری نیز در این موضوع مطرح است که می‌توان چکیده آنرا این‌گونه بیان کرد که رضایت و خواست مردم باید در سه عرصه مورد بررسی قرار گیرد.

الف: حوزه اعتقادات و باورها

غالباً در طول تاریخ به دلایل گوناگون موانعی در مسیر آشنایی مردم با باورهای دینی ایجاد می‌گشته و زمینه انحراف و انحطاط انسان‌ها فراهم می‌شده است. در این عرصه پیامبران علیهم‌السلام و اولیاء خداوند و مصلحان به میدان آمده تلاش می‌کردند موانع را برطرف، نیرنگ‌ها و تزویرها را کنار زنند، تا مردم خود حق را دریابند. در این صورت آنان حق را که با

کارشناسانه آن‌ها می‌نهییم، لیکن در مورد نظریه‌های دسته اول که ملاک مشروعیت حکومت را، رضایت مردم می‌داند در فضای سیاسی ایران مطالبی مطرح است که از دو زاویه قابل بررسی و دقت است.

اول: انگیزه‌ها، چرایی و فلسفه طرح نظریه‌ها و اهداف خیرخواهانه یا خیانت‌آمیز طراحان و ترویج‌کنندگان این مباحث که این بحث جای بسی دقت و بررسی‌های عمیق دارد لیکن مادر این مجال کم، به این زاویه از مطلب نمی‌پردازیم.

دوم: بحث از دیدگاه‌ها در زمینه رعایت رضامندی مردم در فضای سیاسی ایران است. که پس از اشاره‌ای به این مباحث، از قرآن و مولای متقیان، جهت یافتن راه از بیراهه در این عرصه مدد می‌جوئیم.

۱- برخی تحصیل رضایت مردم را برای حاکمان اصلی خدشه ناپذیر معرفی کرده و عدم رضایت مردم را دلیل عدم مشروعیت حکومت حاکمان قلمداد می‌کنند. اینان در فضای سیاسی امروز کشور تا حدی پیش می‌روند که جان کلام آنان این است که اگر رضایت مردم در ترویج کفر و فسق هم بود باید به صورت

از گمان‌ها بپرهیزید زیرا بعضی از گمان‌ها گناه است و تجسس نکنید و هیچ یک از شما غیبت دیگری را نکند.»

قرآن مجید پس از دستور به اجتناب از بسیاری از گمان‌ها، مؤمنین را از تجسس و غیبت کردن بر حذر داشته است و این خود قرینه است بر این که مقصود از ظن، گمان به دربارۀ مؤمنین است نه گمان بد.

ج: حوزه مسائل اجتماعی

در مسائل اجتماعی اگر مردم بخواهند احکام و معارف دینی در کلیۀ شؤون فرهنگی، اجتماعی، اقتصادی و سیاسی آنان اجرا شود و به این امر رأی دهند زمینه تحقق و اجرای آن دستورات فراهم می‌گردد لیکن اگر مردم به اجرای دین علاقه نداشته باشند، دستورات دین، حق بودن خود را از دست نمی‌دهد و مشروعیت آن خدشه‌ای نمی‌یابد لیکن به دلیل عدم همراهی مردم امکان تحقق آن وجود ندارد. و از همین جهت عده‌ای از بزرگان آراء مردم را موجب قدرت و مقبولیت می‌دانند نه مشروعیت.

اگر علی علیه السلام ۲۵ سال خانه‌نشین شود و مردم گسرد او را نگیرند، همه دستورات آن حضرت لازم الاتباع و مشروع است، لیکن تحقق حکومت آن حضرت با عدم اقبال مردم امکان‌پذیر نیست.

عمق جان و فطرت خویش در ارتباطی تنگاتنگ می‌بینند بدون تأمل می‌پذیرند. امروز نیز باید مؤمنین با موانع و تبلیغات دروغین ستیز کنند تا حق برای مردم روشن گردد.

در عرصه پذیرش اعتقادات پس از رفع موانع به هیچ وجه به جز رضایت مردم راهی وجود ندارد. زیرا ایجاد باور بدون رضایت و خواست درونی امکان‌پذیر نیست. قرآن مجید در این باره می‌فرماید: ﴿لَا إِكْرَاهَ فِي الدِّينِ قَدْ تَبَيَّنَ الرُّشْدُ مِنَ الْغَيِّ﴾^۱

ابتدا باید راه رشد و انحطاط برای مردم از هم جدا شود و پس از تبیین و روشنگری، مردم در پذیرش حق کاملاً آزادند و هیچگونه اجباری کارساز نبوده و نباید باشد.

ب: حوزه امور فردی

در این عرصه نیز انسان‌ها در مقابل خداوند مسؤول اعمال خویش اند و کسی حق ندارد در امور شخصیتۀ آنان تجسس کند. در مسائل فردی و خصوصی مردم کسی حق تجسس و گمانه زنی هم ندارد.

قرآن مجید می‌فرماید:

﴿يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا اجْتَنِبُوا كَثِيرًا مِّنَ الظَّنِّ إِنَّ بَعْضَ الظَّنِّ إِثْمٌ وَلَا تَجَسَّسُوا وَلَا يَغْتَبَ بَعْضُكُم بَعْضًا﴾^۲

(ای کسانی که ایمان آورده‌اید از بسیاری

دستورات او نه تسلیم در برابر دشمنان و معاندین و شیاطین و این امر تحقق خارجی نمی‌یابد مگر با اطاعت از دستورات دین. یک مسلمان در صورتی که رضایت مردم را در بی‌اعتنایی به او امر الهی احساس کرد هرگز به آن نمی‌اندیشید.

۲- قرآن مجید می‌فرماید:

﴿وَمَا كَانَ لِمُؤْمِنٍ وَلَا لِمُؤْمِنَةٍ إِذَا قَضَى اللَّهُ وَرَسُولُهُ أَمْرًا أَنْ يَكُونَ لَهُمُ الْخِيَرَةُ مِنْ أَمْرِهِمْ وَمَنْ يَعْصِ اللَّهَ وَرَسُولَهُ فَقَدْ ضَلَّ ضَلَالًا مُّبِينًا﴾^۳ «هرگاه خدا و رسول خدا فرمانی را صادر کنند، هیچ مرد و زن مؤمنی حق ندارد خود را در امور شخصی خویش، مختار بداند و کسی که خدا و رسولش را نافرمانی کند حتماً به گمراهی آشکار مبتلا شده است.»

از این آیه چنین استنباط می‌شود:

الف - مؤمنین در مقابل دستورات خدا و رسولش حق عمل بر خلاف آن را ندارند، گرچه در امور شخصی آنان باشد چه رسد در مسائل اجتماعی.

ب - اگر خداوند و رسولش در موضوعی حکمی را صادر نکردند، انسان‌ها براساس تجارب و تحقیقات خویش می‌توانند راهی را برگزینند و این جا میدان اختیار مسلمانان در استفاده از علوم و فنون بشری

پس آنچه مورد بحث و مناقشه است حوزه مسائل اجتماعی است.

رضایت خدا یا مردم

مناقشات بسیاری امروزه در مورد مسائل اجتماعی و روابط حاکمان و مردم مطرح است که در مباحث سیاسی با عنوان حقوق اساسی مورد بررسی قرار می‌گیرد.

در این مباحث غالباً نظریه‌های غربی مورد توجه می‌باشد و کمتر به فرهنگ دینی و بومی توجه می‌شود در حالی که شایسته‌تر آن بود که به جای مددخواهی از بیگانگان به قرآن و سنت تمسک می‌کردیم تا راه را از چاه باز شناسیم.

در مبحث رضایت مردم نیز که از مباحث عمده در مسائل سیاسی است، می‌توان با استمداد از ثقلین میزان و ملاک اساسی را شناخت که آیا تحصیل رضایت مردم به عنوان اصیلترین مسأله در ادبیات سیاسی اسلام مطرح است و یا این که حدودی باید رعایت شود.

برای دریافت محدوده اهتمام به رضایت مردم، در منابع دینی مطالب فراوانی وجود دارد که تأمین رضایت مردم در صورتی ارزشمند است که از طریق مخالفت با دستورات دینی نباشد. اکنون به چند مورد اشاره می‌شود.

۱- در واژه اسلام و مسلم مفهوم تسلیم نهفته است، البته تسلیم در برابر خداوند و

است. لیکن در موردی که دین فرمانی را صادر کرده از آن جا که اطاعت از آن دستورات ضامن سعادت بشر است، فردی که ایمان به خدا، قرآن و پیامبر ﷺ داشته باشد راهی غیر از راه دین را برنمی‌گزیند.

حال اگر این اطاعت موجب سرخوردگی و بی‌رغبتی از جانب مردم باشد در کانون فکری، رفتاری یک مسلمان هیچ تأثیری نخواهد داشت.

۳- امیرالمؤمنین علی علیه السلام با صراحت کامل در هنگام تعارض رضایت الهی و امیال مردم چنین می‌فرماید: «ولاتسخط الله برضی احد من خلقه فان فی الله خلفاً من غیره و لیس من الله خلفٌ فی غیره»^۴ خدا را در راضی نگهداشتن مردم به خشم نیاور زیرا خشنودی خدا جایگزین هر چیزی بوده اما هیچ چیز جایگزین خشنودی خدا نمی‌شود.»

۴- در جای دیگر امیرمؤمنان سرآغاز تمام فتنه‌ها را پیروی از هواهای نفسانی و مخالفت با کتاب الله بیان می‌دارد و می‌فرماید:

«أما بدءُ الفتنِ اِهواءٌ تُتَّبِعُ و أَحکامُ تُبَدَّلُ يُخَالَفُ فیها کتابُ اللهِ و یتولی علیها رجالٌ رجالاً علی غیر دین الله»^۵ همانا آغاز پدید آمدن فتنه‌ها هواپرستی و بدعت‌گزاری است. نوآوری‌هایی که قرآن با آن مخالف است و گروهی از این طریق بر خلاف

دین خدا بر گروهی دیگر حاکم می‌شوند. کسانی که برای جلب آراء زنان، جوانان و افراد بی‌دین و فاسد و ولگرد و هر گونه مطلبی را بر خلاف دستورات دینی مطرح می‌کنند، حجاب را به سخریه می‌گیرند، قصاص را رد می‌کنند، از لجام گسیختگی و لجنزار غرب برای خود بهترین الگو می‌سازند و هر نوشته فاقد ارزشی را بر چشمان ناپاک خود می‌نهند و براساس آن احکام الهی را محک می‌زنند فتنه‌ای بزرگ بنیان‌گذاری می‌کنند که آغاز انحراف نسل‌ها خواهد بود.

اگر افرادی منحرف باشند و از کفر دفاع کنند بهتر از آن است که ملاک‌های کفر و فسق را رنگ دینی بخشند و بدعت‌گذاری آغاز شود.

نتیجه آن که رضایت مردم در طول رضایت الهی است؛ یعنی ما وظیفه داریم ابتداء رضایت الهی را مدنظر قرار دهیم و پس از آن برای جلب رضایت مردم تلاش کنیم. مردم سالاری بدون قید دینی آن، باز بچه قرار دادن مردم و دین خداست.

پی‌نوشت‌ها:

۱- بقره / ۲۵۶.

۲- حجرات / ۱۲.

۳- احزاب / ۳۶.

۴- نهج البلاغه، نامه ۲۷.

۵- همان، خطبه ۵۰.